



ماجرای یک ویرانی

صفحه ۳



صفحه ۴

مذاکره در وقت اضافه

یادداشت سردبیر

سارا موذنی نیا

الان که این نشریه را می‌خوانید یکسال و دو ماه می‌گذرد از روزی که فهمیدیم موجودی منحوس و نادیدنی روال عادی زندگیمان را تغییر داده و ماسک و دستکش و الکل را به لوازم ضروری‌مان اضافه کرده‌ست. مایی که حتی وقتی هوا در آلوده‌ترین حالت ممکن و مملو از آلاینده و گرد و غبار بود هم، حاضر به استفاده از ماسک نبودیم که مبدا نفسمان تنگ شود و ظاهر آراسته‌مان به هم بخورد، حالا چه عجیب به همین ماسک عادت کرده‌ایم که اگر کرونا هم برود، سخت می‌توانیم از آن جدا شویم و انسان چه قدر زود به همه چیز عادت می‌کند! اگر بگذریم از همه‌ی اتفاقات عجیب و غریب این مدت و سختی‌هایی که همه‌ی ما و علی‌الخصوص کادر درمان متحمل شدند و هم چنین لطمه‌هایی که به آموزش دانشجویان وارد شد، حرف از واکسن که به میان آمد، امیدمان هم کمی پر رنگ‌تر شد، که خب پس همه‌ی این مشکلات در شرف حل شدن است و لازم نیست خیالمان انقدرها هم ناآرام باشد! الویت را که به حق، به کادر درمان دادند، همین امیدی مضاعف شد برای دانشجویان علوم پزشکی که بعد از پرستاران و پزشکان، نوبت ما که بشود کارآموزی‌ها را از سر می‌گیریم و برمی‌گردیم به همان روزهای اوج یادگیری! (این را دانشجویانی که کارآموزی مجازی را تجربه کرده‌اند، خیلی خوب درک می‌کنند.)

طبق روالی آشنا، آنچه انتظار داشتیم در مرحله‌ی عمل با نقص‌هایی مواجه شد و کارورزان و کارآموزان چندان دل خوشی نداشتند چرا که تصور این بود حالا براساس لیست و نظم و نوبت مشخص همه واکسن می‌زنیم اما تصور با واقعیت چندان مطابقت نداشته و انتظارات برآورده نشد، هرچند در وضعیتی که می‌شنویم بعضی از مسئولان واکسنهای یک گروه هدف را به نفع نزدیکان سو استفاده کرده‌اند، این بی‌نظمی‌ها هم چندان دور از انتظار نیست و نشان از نقص‌هایی در مراتب بالاتر است. به هر حال، امیدواریم در آینده‌ی نزدیک، همه‌ی مردم کشورمان بتوانند واکسن رایگان! دریافت کنند که حداقل در حق حفظ جان، تفاوتی بین مرفهین و قشر کم برخوردار نباشد.

پیام تبریک

انتصاب شایسته جناب آقای سرهنگ علی احمدی به سمت مدیریت ناحیه بسیج دانشجویی استان کردستان را از جانب جامعه دانشگاه علوم پزشکی کردستان تبریک عرض می‌نماییم و برای ایشان آرزوی توفیق روزافزون از درگاه باری تعالی می‌نماییم همچنین لازم است از زحمات جناب آقای سرهنگ توحید رستمی فرماندهی سابق این ناحیه کمال تشکر و امتنان داشته باشیم.

تاریخ

جنگی پیچیده

هر شعاری به ظاهر زیبا و موافق الزامات هم جهت و همراه نیست...!

صفحه ۲

تحلیل

از تهران تا پکن

صفحه ۷

نقص دانشجوی

دانشجو منهای آموزش

صفحه ۵



ماهنامه‌ی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بیان جوان
نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کردستان
شماره ۲۲، اردیبهشت ۱۴۰۰، رمضان ۱۴۴۲



صفحه آخر



صفحه ۶

علی نوری

جنگی پیچیده

هر شعاری به ظاهر زیبا و موافق الزاما هم جهت و همراه نیست...!

درس‌ها به ما می‌گویند که چه باید بکنیم، ولی عبرتها به ما می‌گویند که چه حادثه‌ای اتفاق افتاده و چه واقعه‌ای ممکن است اتفاق بیفتد. ۱۳۷۴/۱۰/۵ (رهبر انقلاب)

یکی از عبرت‌های مهم تاریخ حوادث زمانه‌ی امیرالمومنین

(ع) است که در تفسیرهای مرحوم دکتر شریعتی که در باب آنها نگاشته است آن حوادث غمناک را زمینه ساز دردی بزرگ برای امیرالمومنین می‌نامد که فراتر از زخم شمشیر این ملجم بر فرق مبارکش است و آنقدر عظیم است که آن بزرگ مردی که تاریخ در شجاعت، اقتدار، دلیری به خود نخواهد دید را تنها در نیمه‌های شب خاموش به دل نخلستان کشانده و او را همصحب با چاه کرده است.

به راستی این درد چیست که امیرالمومنین از آن به خون دل یاد می‌کند و لذت‌های این دنیا را برای خودش حرام می‌کند؟ برای فهم این درد باید نگاهی به تاریخ و عبرت‌های آن کرد.

نگاهی اجمالی به جبهه بندی‌های خونین حق و باطل، به افراد کمک می‌کند تا وضعیت و تکلیف شخصی و اجتماعی خودشان را بهتر بشناسند، موقعیت و شرایط کلی جبهه‌ها را بهتر بفهمند، حدود دقیق مرزهای دو جبهه را تشخیص دهند، اقدامات آینده‌ی دو جبهه را پیش بینی کنند و آمادگی لازم را بدست بیاورند و بسیاری دیگر از مزایایی که با تامل در تاریخ می‌توان بدان دست یافت اما شاید مهمترین عبرت‌های تاریخ آن باشد که خطاها و اشتباهات گذشته فهمیده شود و با تمام توان سعی در جبران آن داشت.

به نظر یکی از ضعف‌های همیشگی جبهه حق شعارهایی فریبنده است که از طرف جبهه باطل به خورد بدنه جبهه حق داده می‌شود و آنچه که انسان از آن رنج می‌برد و دردی که حضرت به خون دل تشبیه می‌کند حقیقتا عدم تشخیص به هنگام بدنه‌ی جبهه خودی است.

برخورد با این ترفند جنگی بسیار پیچیده است که حتی

امیرالمومنین را هم زمانی که بدنه دچار سردرگمی و تحلیل غلط هست مجبور به پذیرش حکمیت ابو موسی می‌کند.

در دوره‌های مختلف تاریخی به وضوح دیده می‌شود که در هنگام حوادث سرنوشت ساز و درست در زمانی که جبهه حق در چند قدمی فتح قله‌ی ظفر و پیروزی بوده است به

منطقی دیگری که قابل طرح است.

نمونه بارز آن خون دلی که حضرت اواخر عمر خود از آن گلایه می‌کردند به نظر ماجرای صفین است؛ آن چیست

که مالک علی را با اینکه چند ضربه تا خیمه معاویه یا مرکز نفاق از آن فاصله داشت به عقب می‌کشد؟ پر واضح است که اینها کار کفر نیست، کار جنگ منظم و مشخص

دشمن نیست و اگر جز این بود حدود جبهه مشخص بود و گمراهی خاصی بوجود نمی‌آمد. در ادامه، جبهه نفاق بعد از تحمیل حکمیت و آن نقشه شوم عمرو عاص که قرآن به نوزه کردند و لشکر در حالیکه برای استراحت از جنگ برمی‌گشتند تا نتیجه حکمیت مشخص شود عده‌ای برآشفته و خشمگین فریاد برآوردند " لا حکم الا الله " که در وهله اول شعاری

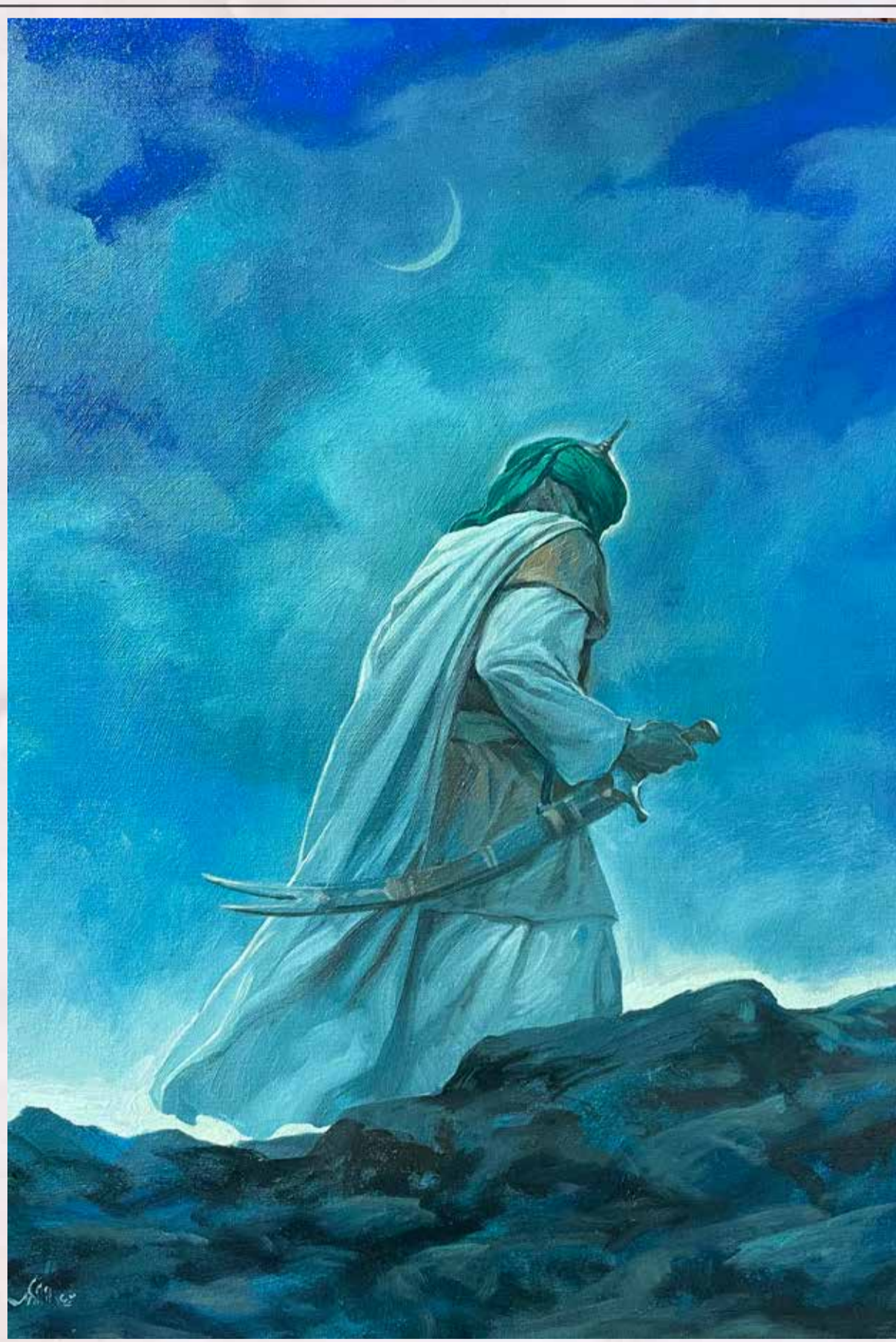
بسیار زیبا و خدا پسندانه است به تعبیر رهبری: (البته قبلا این جمله " لا حکم الا الله " در میان اردوگاه شنیده شده بود، چه کسی گفته معلوم نیست. این یکی از نکات عبرت انگیز است که اول بار معلوم نیست این شعار از دهان چه کسی در آمد، مشکوک است قضیه ۱۳۶۵/۹/۱۲)

همیشه به یاد داشته باشید هر شعار به ظاهر نیکویی که شاید از زبان جبهه حق شنیده شود لزوما سخن اولیا خدا نیست قطعا کسانی هم که نادانسته تحت تاثیر احساسات و هیجانات پیرو آنها اقداماتی کردند یا تصمیم‌سازی‌هایی کردند نمی‌دانستند چه تاثیر مخربی بر تاریخ می‌گذارند، تاثیری که نتیجه آن با عبرت از تاریخ بعضا پس از چندین سال دیده می‌شود.

پس عمده شعارها حتی آنهایی که پوششی موافق با شعارهای حق یا ظاهری جذاب دارند باید سنجیده شود که بعضا شیطان از حنجره

شیطان صفت‌ها مطالبی به ظاهر جذاب و فریبنده صادر می‌کند، اگر در دام بیفتیم قافله را باخته‌ایم و باری سنگین و خون دلی بر امام‌مان و به تاریخ تحمیل می‌کنیم، باید مراقب و هشیار این‌گونه مطالب باشیم که رو سفید از جنگی پیچیده بیرون آییم.

چه می‌دانیم شاید این هم یک غربال باشد...



ناگاه شعاری مطرح شده که لشکر پیروزمند را سرگرم خود گردانیده است تا از فتح و ظفر باز بماند. اما نقطه ضعف آنجاست که کسی نپرسید که این شعار را که داد؟ برای چه در این موقعیت مطرح کرد؟ ابعاد مختلف آن چیست؟ مزایا و معایب اقدام یا عدم اقدام به آن چیست؟ راه بهتری وجود دارد یا تنها راه حل است؟ و سوالات

علیرضا احمدی



ماجرای یک ویرانی

داشته و به جایی رسانده‌اند که اگر بگوییم به حال آن باید خون گریه کرد، اغراق نکرده‌ایم. در شرایط فعلی نیز کار تیم ملی برای صعود به جام جهانی به شدت سخت شده و در چهار بازی باقی مانده که سه بازی میزبان بودیم، به لطف مدیریت تاسف بار **فدراسیون پنج ستاره** باید هر چهار بازی را این بار در بحرین ببریم تا به مرحله نهایی این رقابت‌ها راه پیدا کنیم و آن موقع با قدرت‌های آسیا برای رفتن به جام جهانی دست به گریبان شویم. بی‌خبری فدراسیون از لابی‌های پشت پرده AFC نیز در مورد میزبانی بحرین حیرت‌آور است، کشوری که چه از نظر آب و هوا و چه از نظر ورزشگاه‌هایش با سبک تکنیکی فوتبالیست‌های ما سازگاری ندارد و نتایج گذشته تیم‌های ملی ما در بحرین نیز این واقعیت را تایید می‌کند. با این شرایط امیدواریم بازیکنان ما با **غیرت مثال زدنی خود** مجدداً سرود پیروزی و موفقیت را یکصدا سر دهند و حال مردم ایران که در این روزها چندان خوب نیست را برای لحظاتی تغییر دهند. اما مطلب نهایی اینکه با این سبک مدیریت در فوتبال ره به جایی نخواهیم برد و دیر یا زود فوتبال ما اسیر اتفاقات عجیب و غریب پی‌درپی خواهد شد، اتفاقاتی که در مقایسه با اوضاع فعلی به مراتب تاسف‌بارتر خواهند بود. در نهایت همه ما هواداران تیم ملی امیدواریم که روزی فوتبال ما از حضور **منحوس** این افراد پاک شده و رنگ آرامش را به خود بگیرد.

کارنامه‌ی خود مطرح می‌کرد! اگر به صورت موشکافانه به ماجرا بنگریم، بی‌لیاقتی مدیران ارشد فدراسیون در امضای این قرارداد و عدم اقتدار در تصمیم‌گیری و اطاعت مطلق از وزارت ورزش عامل این **فاجعه‌ی تاریخی** می‌باشد، فاجعه‌ای که هم اکنون همچون آواری بر پیکره فوتبال بیمار ما خراب شد و موجب شد که با توجه به خالی بودن حساب فدراسیون، ساختمان رسمی فدراسیون فوتبال ایران به عنوان بدهی به شستا واگذار شود. خبری تلخ اما واقعی!

به راستی صندلی فدراسیون فوتبال چه جذابیت‌هایی دارد که تیم کفاشیان و تاج و افرادی که با این دو در رده‌ی مدیریت ارشد فدراسیون قرار گرفتند، حتی هم اکنون نیز بر این جایگاه تکیه دارند و بوی گند خرابی‌های پی‌درپی آنها دل هر فوتبال دوست ایرانی را به درد می‌آورد. گویا این افراد قصد ندارند دست از سر این فوتبال نیمه جان بردارند و کار را به کاردان بسپارند. میزبانی جام ملت‌های آسیا، میزبانی جام باشگاه‌های آسیا، حذف فوتبال ساحلی از جام جهانی، جایگاه‌های نمایشی در AFC، شکست‌های پیاپی تیم امید در راهیابی به المپیک و... این‌ها از جمله صدها موردی است که فدراسیون **آقای خنده** و زیر مجموعه‌اش طی این ده سال اخیر به بار آورده و هم اکنون نیز پس از گذشت یک دهه از مدیریت این افراد، مشکلات فوتبال ما روز به روز گسترده‌تر از قبل شده و ما را از پیشرفت و

شروع ماجرا شاید آنقدر خوب بود که زنده‌ترین کارشناسان ورزشی را نیز به تحسین مردی وا داشت که در زمین کره جنوبی با ارائه فوتبالی جسورانه و تهاجمی، چشم بادامی‌ها را به لاک دفاعی فرو برد. سبکی که برای ما ایرانیان تا حدی بیگانه بود.

اما گذر زمان همه چیز را تغییر داد؛ به طوری که در مرحله اول مقدماتی جام جهانی در گروهی نسبتاً آسان، به عراق و بحرین باختیم تا حضور ما به مرحله نهایی مقدماتی جام جهانی در هاله‌ای از ابهام قرار بگیرد. فاجعه‌تر از آن اینکه تنها موضوعی که از این دو بازی به گوش ما رسید، عدم تعهد به قرارداد و قهقهه‌های مرد بلژیکی (ویلموتس) یا اگر بهتر بگوییم، **کلاهدردار بلژیکی** بعد از اتمام این چند مسابقه بود. فردی که برای امضای این قرارداد همسر خود را که یک وکیل متبحر می‌باشد، مامور مذاکره با **فدراسیون پنج ستاره** کرد.

از عجایب روزگار همین بس که بدنه فدراسیون، ویلموتس را در ابتدا فردی **نجیب** معرفی کرد ولی بعدها از وی به عنوان **شیاد** نام برد. در امضای این قرارداد گویا وزارت ورزش نقش اصلی را داشت که البته الان منکر آن می‌شود و این موضوع در شرایط فعلی طبیعی به نظر می‌رسد؛ حال اینکه اگر ویلموتس شش امتیاز بازی با بحرین و عراق را گرفته بود، این وزارتخانه طبیعتاً خود را متولی حضور این مربی می‌دانست و آنرا به عنوان نقطه‌ای درخشان در

ابراهیم اسدی

مذاکره در وقتِ اضافه

به مردم وعده سر خرمن ندهند و با تحلیل‌های صدمن به گاز سعی در مسموم‌سازی افکار عمومی نداشته باشند مذاکرات حتی اگر قرار باشد نتیجه مثمرتری برای مردم به دنبال داشته باشد و به سرانجام درستی برسد با این دولت و با این تیم مذاکره‌کننده به هیچ نتیجه‌ای بهتر از برجام نمی‌رسد پس لازم است به دولت و حامیان دیروز و امروز آن گوشزد کرد که هیچ کس حق ندارد در هیچ مجمع بین‌المللی از حقوق ملت سرافراز ایران به هر دلیلی چه حزبی چه انتخاباتی کوتاه بیاید و تیم مذاکره‌کننده هرگز حق ندارد موضع ضعف از خود نشان بدهد، تا به

طرف مقابل القا نشود که دولت گدای مذاکره است. ملت ایران هرگز وابسته و محتاج هیچ دولت خارجی نبوده و نخواهد بود همانگونه که در هشت سال دفاع مقدس این استقلال و عدم وابستگی را در مقابل تمامی ملت‌های جهان به اثبات رساند.

انتخابات و هر رخداد دیگری نباید اهرم فشار کشورهای خارجی علیه مردم ایران باشد و این وظیفه دولت است که در برابر این فشارها مقابله کند.

مردم دیگر هیچ امیدی به بهبود وضعیت نه تنها در ۱۰۰ روز بلکه ۱۰۰ سال

دیگر هم توسط دولت تدبیر و امید ندارند لذا بهتر است دولت به جای فکر کردن برای برداشتن قدم‌های بزرگ در این واپسین روزهای عمر خود به فکر عذرخواهی و طلب بخشش به خاطر قدم‌های بر زمین مانده و گام‌های کج رفته خود از مردم باشد نه اینکه با کشیدن چله مذاکرات سعی در هدف قرار دادن انتخابات داشته باشد. انتخابات ۱۴۰۰ یقیناً مانند دوره‌های قبل پرشکوه و با حضور حداکثری مردم برگزار خواهد شد و این مردم همیشه استوار و بصیر ملت ایران خواهند بود که سرنوشت خود را رقم خواهند زد و این سرنوشت هرگز در دالان پیچ در پیچ مذاکرات رقم نخواهد خورد؛ پس بهتر است کاسبان مذاکره و امید داران به بافته نخ‌نمای «مذاکره برای رای» بدانند که هیچ انسان عاقلی از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود و مذاکره در وقت اضافه به گل دقیقه نود نمی‌انجامد. پس بهتر است به جای این مسیر غلط راه پر سعادت خدمت و کمک به مردم را در پیش‌گیرند تا در پیشگاه خدا و ملت سرافکننده و شرمسار نباشند.

آن تاریخ نیز با چنین رخدادهایی توافق برجام مابین طرفین به امضا رسید؛ برجامی که خورشید تابان بود و قرار بود مشکلات مردم را از آب خوردن تا... حل کند و بعد از چند سال غیر از ضرر محض برای مردم ایران هیچ دستاورد عملی نداشت و به عنوان تجربه‌ای تلخ و حادثه‌ای غمناک در ذهن مردم نقش بست.

هرچند که آزمودن دوباره این کشورها جایز نیست اما دولت تدبیر و امید مصرانه در پی حصول توافقی جدید با دیگر طرف‌های مذاکره‌کننده می‌باشند. شاید مذاکراتی که در وقت اضافه دولت پیر و خسته‌ی تدبیر و امید پی



در روزهای اخیر خبرهای پراکنده‌ای در خصوص مذاکرات احیای برجام مابین طرفین ایرانی و پنج بعلاوه یک از سوی خبرگزاری‌های معتبر و غیر معتبر داخلی و خارجی به گوش می‌رسد.

گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای و و شائناژهای خبری رسانه‌های زرد تا آنجا پیشرفت که فاینشال تایمز مدعی مذاکرات ایران و عربستان برای بهبود روابط دو کشور شد؛ با کمی دقت در میان خبرهای منتشر شده رسمی و غیررسمی می‌توان به این مهم پی برد که سعی جریان رسانه‌ای حاکم بر جهان در تطهیر چهره غیر قابل اعتماد طرف

اروپایی - آمریکایی و ایجاد حس التزام به وجود یک توافق مابین طرفین این مذاکرات است، این مذاکرات با همان سبک و سیاق برجام با همان میزان تعهد تیم ایرانی به حفظ منافع مردم ایران اما با مضیقه و تنگنای زمانی به مراتب بیشتر از برجام در حال پیگیری است هرچند که از اتاق‌های مذاکرات، خبرها قطره‌چکانی به بیرون درز می‌کند اما رخدادهای داخلی و خارجی اخیر زبان ناگفته‌ای از خطیر بودن مذاکرات دارد یکی از مهمترین این رخدادهای خرابکاری رژیم صهیونیستی در سایت

هسته‌ای نظنز است که به جای پرداخته شدن به نفس خیر بیشتر به ارتباط این حادثه و مذاکرات هسته‌ای پرداخته شد و تحلیل‌های صفر و صد فراوانی در این خصوص بر صفحه اول خبرگزاری‌ها نقش بست تا به افکار عمومی نشان دهد دست ایران در مذاکرات خالیست و دشمنان ایران به قول وزیر امور خارجه «با یک بمبش می‌تواند تمام سیستم دفاعی کشورمان را از کار بیندازند» این القای حس ضعف و ناتوانی ملی افکار عمومی را به سمتی سوق می‌دهد که تنها راه نجات از وضع اضطرار کنونی توافق با کشورهای غربی است، همزمان با این آماده‌سازی افکار و زمینه‌سازی برای صد مورد نظر جناب رئیس‌جمهور تا آنجا پیشرفت که آمریکا را نادم و پشیمان و در مقام توبه‌کننده‌ای سرافکننده قرار داده و توپ پذیرفتن این توافق را در زمین ایران انداخته است به گونه‌ای که با وقاحت تمام آمریکا (شیطان بزرگ) را با آزاده کربلا مقایسه می‌کنند.

با کنار هم قراردادن پازل به هم ریخته‌ی اتفاقات و رخدادهای اخیر، کم و بیش روزهای قبل از مذاکراتی که به توافق برجام انجامید در ذهن تداعی می‌گردد، در

گرفته شده است به این دلیل باشد که برای دولت و جناح اصلاحات، برجام، آزموده‌ای خطا نبوده است؛

یادمان نرود که برجام یکی از اصلی‌ترین وعده‌های انتخاباتی دولت و از مهمترین علت‌های پیروزی در انتخابات ۱۳۹۶ می‌باشد؛ بنابراین اگر برجام برای مردم تجربه‌ای تلخ بوده است یقیناً برای جناح اصلاحات همان خورشید تابان آمال و آرزوهایشان است که همچون آفتاب تابنده‌ای ۸ سال آنان را در مسند قدرت نگاه داشته است و اکنون که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم امید دارند به یمن وجود برجامی دیگر دوباره صبح امید دولتشان بدمد.

فارغ از اینکه قرار است دستاوردهای یک ملت در اتاق‌های مذاکرات به ثمن بخش به حراج گذاشته شود همین امید است که رئیس‌جمهور به پشتوانه آن به مردم نوید حل مشکلات را در ۱۰۰ روز پایانی دولت می‌دهد.

در مقابل این طرح ریزی زیرکانه‌ی جناح اصلاحات برای گرفتن سهمی همانند سال ۹۲ و ۹۶ از آراء مردم باید این مسئله را مطرح کرد که درخت بی‌سایه و بری که در ۸ سال ثمر نداد در این ۱۰۰ روز نیز ثمر نمی‌دهد پس لطفاً



واقعا در مقابل این همه دانشجوی نخبه، پرتلاش، با نیت خالص و انگیزه‌های قوی جامعه علوم پزشکی وظایفمان را به خوبی ادا کرده‌ایم؟؟؟

در این مدت خیلی از دانشجویان به دلیل کارآموزی‌ها و گاه‌گاه کلاس‌های عملی اندک مجبور به استفاده از خوابگاه شده‌اند و به دلیل دیده شدن چند مورد مبتلا به کووید ۱۹ در خوابگاه چند روز خوابگاه را قرنطینه کرده و اجازه‌ی عبور و مرور دانشجویان حتی برای رفتن به همان کارآموزی‌ها و کلاس‌ها که دلیل بازگشت آنان بود وجود نداشت.

خب طبیعتا با وجود کمبود فضا و ساختمان بزرگ با امکانات بیشتر انتظاری جز قرنطینه طولانی و تعطیل آموزش حضوری و دوری از محیط دانشگاه نمی‌رود.

ساختن یک یا چندین خوابگاه مناسب و حتی بدون توقع امکانات کامل چند سال و چقد از بودجه دانشگاه را صرف می‌کند تا آماده بشود؟؟؟

حالا ناچارا با عدم ساخت بنای جدید خوابگاه می‌شد که با اجاره‌ی خانه و یا حتی خوابگاه‌های دانشگاه آزاد که بعضی از آنها در سطح شهر خالی بودند برخی از مشکلات را مدیریت کرد اما باز هم به دلیل نبود بودجه برای دانشجویان مشکل ساز شد.

اگرچه قابل اغماض نیست اما بگذریم از کسی که شبانه از خوابگاه دخترانه گذشت و بجز گم شدن وسایل دانشجویان ردی هم به جای نگذاشت و به سلامت مسیر را طی کرد...

از تمامی مشکلات هم که بگذریم باید بدانیم و قبول کنیم که برگزاری کلاس‌ها به صورت مجازی، امری منطقی است و در این موقعیت شاید غیر قابل اجتناب باشد اما بازدهی این کلاس‌ها نسبت به کلاس‌های حضوری شاید فقط ۳۰ درصد و یا شاید کمتر باشد.

از مشکلات آموزشی که سبب کاهش درصد بازدهی هستند عدم تدریس و ارائه نشدن تمام دروس به صورت آنلاین و بلا تکلیفی دانشجویان برای تفهیم واحدها و درس‌هایی می‌باشد که به صورت مجازی فقط بارگزاری شدند و بعضا هم کیفیت ضعیفی داشته و یا برخی از اساتید فیلم آموزشی را با کیفیت‌های پایین ارائه می‌کنند... شاید عجیب باشد اما شنیده شده که گاه‌گاه از روی کتاب‌های تعیین شده روخوانی می‌کنند کاری که شاید حتی خود دانشجویان با بازدهی بیشتر و بهتر می‌توانستند انجام دهند که قطعاً با این اوصاف مطلب به صورت ملموس و قابل فهم ادا نمی‌شد!

از دیگر مشکلات بارگزاری حجم عظیمی از فایل‌ها در ایام نزدیک به امتحانات، سلیقه‌ای عمل کردن اساتید در امتحانات و زمان محدود آنها، عدم برگشت به سؤالات قبل و مشکلاتی عدیده‌ای که برای آموزش‌های بالینی وجود دارد؛ نبود آیین نامه و شیوه‌نامه‌های دقیق دانشجویان را متضرر کرده است. و در واقعیت اگرچه با نمره‌های خوب شاهد افت تحصیلی و انگیزه تعداد کثیری از دانشجویانی هستیم که زمانی درس خوان و برتر کلاس‌های خود بوده اند!!!

آیا واقعا عدالت آموزشی برقرار شده است؟؟؟ نمره‌ها چه اندازه واقعی هستن؟؟؟ و هزاران سوال بی‌جواب دیگر...

حرف‌ها و مشکلات زیاد است؛ اما حیف که پاسخی نیست!! در پایان گفتنی است که نظام سلامت با تربیت و رشد دانشجویان نخبه اعتبار دارد و هر روز قوا می‌گیرد!

پس ضروری است که در این راه و برای حفظ این نسل از دانشجویان اهمیت و توجه خاصی قائل باشیم تا در آینده شاهد مسئولانی باسواد و تجربه‌ی کافی، متدین، مسئولیت‌پذیر و لایق باشیم و حیثیت این نام و نشان را پاس بداریم.



دانشجو منهای آموزش

پارادوکس تلخی که این روزها رسالت دانشجویی رو خدشه‌دار و در جامعه کنونی خیلی معنادار شده است.

در لابه لای تمام دغدغه‌ها و ضعف‌های صنفی و آموزشی دانشجویان، به جهت ماهیت و مهارتی که رشته‌های علوم پزشکی دارند، بنا به نیاز به فعالیت حرفه‌ای طی یکسال گذشته در کنار سایر نیروهای کادر درمان در جبهه مقابله با کرونا فعالانه حضور داشتن و در حوزه‌های مختلف بهداشت، درمان، آموزش، پژوهش و اقدامات جهادی به خدمت پرداختند.

کمک‌های داوطلبانه در حوزه درمان و بهداشت، حضور فعال در سامانه ۴۰۳۰ وزارت بهداشت، ارائه آموزش‌ها به صورت حضوری و مجازی و آگاه‌سازی‌های مرتبط با کرونا در قالب‌های متنوعی همچون برگزاری وبینارهای آموزشی، توزیع پک‌های بهداشتی در مناطق کم برخوردار، انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری با موضوع کرونا و... توسط تشکله‌ها و گروه‌های مربوط به دانشجویان صورت گرفته است.

اما گله و شکایت زمانی به ناله و فغان مبدل می‌شود که با وجود تمام تلاش‌ها و زحماتی که در جهت پاس داشت حیثیت و رسالت علوم پزشکی انجام شده است، متأسفانه کیفیت آموزشی ضعیف است و پاسخگوی اهداف دانشجویان علی‌الخصوص گروه علوم پزشکی نبوده است. اشکالات و نواقص محتوایی و نبود زیرساخت سیستم آموزشی که اقشار مختلف از دانش‌آموز و دانشجو را در مدت کرونا درگیر کرده و سبب

نارضایتی شده است.

با گذشت بیش از یکسال با وجود این ضعف‌ها و کنار آمدن با مشکلات مسئولین و اساتید، آموزش‌ها هنوز با این سیستم خونگرفته و دچار ضعف‌ها و مسائل قابل توجهی هستند؛

از جمله این مشکلات می‌توان به مجازی بودن درصد زیادی از آموزش و دوره‌های تعطیلی، افت مهارت‌های بالینی دانشجویان، نبود شیوه‌نامه رسمی مدون آموزش و امتحانات مجازی، عدم تامین ایمنی کافی دانشجویان در بخش‌های بیمارستانی، نقص تدوین تقویم آزمون‌های وزارت بهداشت، طولانی شدن دوره تحصیلی، شرایط گاه‌گاه ناعادلانه دفاع از پایان‌نامه، تاخیر در پرداخت مطالبات مالی دستیاران، مسائل مربوط به دانشجویان انتقالی و پردیس، عدم توجه کافی به آموزش عملی دانشجویان، توجه ناکافی در روابط اجتماعی و آموزشی اساتید با دانشجو، کم شدن فعالیت‌های فرهنگی و... اشاره کرد، که در مورد هر کدام می‌توان صفحه‌ها نوشت.

اما نهایتاً به آن بیندیشید که فارغ تحصیل‌های رشته علوم پزشکی حافظ سلامت و جان مردم هستن و مسئولیت بسیار بزرگی بر دوش دارند!

پس مسئله‌ای که حائز اهمیت است این است که چه دانشجویی به این میدان جنگ نابرابر در مقابل ناملازمات انسانی فرستاده می‌شود.

اینجا لازم است که یک سوال از خودمان داشته باشیم که آیا

فاطمه کریمی

فکر کن اگر همیشه گنهکار بودیم و هیچ ثوابی نداشتیم چگونه در خانه‌ی خدا می‌رفتیم؟! چقدر با انکسار و تضرع و با دست خالی؟ الان هم به همین صورت به محضر خدا برویم، امام سجاد (ع) در مناجات‌های خود دست‌هایشان را به سوی خدا بلند می‌کردند و صدا می‌زدند: خدایا با دست‌های پر از گناه در خانه‌ی تو آمده‌ام! پس وقتی امام ما اینگونه خدا را صدا می‌زند تکلیف ما معلوم است.

۵ توجه و محبت نسبت به اولیای خدا:

دل با صفا دلی است که اولیای خدا را دوست بدارد و عاشق آن‌ها باشد. حالا اگر دل ما آنچنان که باید و شاید نسبت به اولیای خدا صاف نباشد یعنی وضعش خراب است! و عبادت ما را نمی‌پذیرد. حتی اگر هزار سال هم عبادت کنیم، ولیمه اولیای خدا در دل ما نباشد این عبادت پذیرفته نخواهد شد.

۶ برائت از دشمنان خدا:

باید نفرت از دشمنان خدا را به دل‌هایمان بیاوریم. البته این کار ساده‌ای نیست. برائت از دشمنان خدا در دل‌های با صفا می‌نشیند. بعضا هستند افرادی که ادای صلح و نوع دوستی درمی‌آورند و می‌گویند: دشمنان خدا را هرچقدر هم بد بوده‌اند لعنت نکنید! رهایشان کنید و مهربان باشید! اتفاقا همین کسانی که دم از مهربانی می‌زنند خودشان سنگدل هستند. در واقع این افراد اصلا نمی‌دانند "عدوالله" یعنی چه! وقتی خداوند "لطیف" است مگر می‌شود دشمن خدا هم لطیف باشد؟! امروزه علائم و امدادهای الهی به ما کمک می‌کنند تا نفرت از دشمنان خدا را به دل‌هایمان وارد کنیم. دیگر خداوند چگونه می‌خواهد ما را هدایت کند و رشد دهد؟ مثلا ما داریم می‌بینیم چه ظلم‌هایی نسبت به مردم غزه می‌شود یا می‌بینیم داعشی‌ها و تکفیری‌ها چه جنایت‌هایی انجام می‌دهند. با دیدن این ظلم‌ها و جنایت‌ها طبیعتا نسبت به ظالمان نفرت پیدا می‌کنیم و این لطف خداوند نسبت به ماست که می‌خواهد ما را بالا بکشد و اوج دهد و به ما صفای باطن دهد. همین که نسبت به دشمنان خدا و دشمنان ولی خدا غضب پیدا کنیم این عامل صفای باطن ماست و موجب می‌شود بیشترین بهره‌ها را از شب‌های قدر ببریم.

۷ امید و حسن ظن به خداوند:

یکی دیگر از شرایط صفای قلب در شب‌های قدر امید است. امید ما به خداوند باید خیلی بالا باشد. در شب‌های قدر اولاً نسبت به آنچه خداوند تا کنون با ما روا داشته است باید اعلام رضایت و شکر کنیم (مورد دوم)، ثانیاً نسبت به آنچه من بعد می‌خواهد نسبت به ما روا دارد باید حسن ظن داشته باشیم. پیش‌خودمان بگوئیم: ((امشب خداوند می‌خواهد نهایت لطف خود را نسبت به من داشته باشد من یقین دارم که خدا با من فوق العاده مهربان است)) امام محمد باقر (ع) می‌فرمایند: هیچ بنده‌ی مومنی حسن ظن به خدا ندارد مگر اینکه خدا به اندازه‌ی گمانش با او رفتار می‌کند، چون خدا کریم است و تمام خیرات در دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده‌ی مومنش گمان خوبی به او ببرد و سپس مخالف گمان و امیدش عمل کند، پس به خدا حسن ظن داشته باشید و مشتاق او باشید (کافی / ج ۲ / ص ۷۲)



ماه میهمانی خدا

امام حسن علیه السلام:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِيَخْلَقَهُ فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ.

خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه‌ای برای آفریدگان خود قرار داده تا با طاعتش برای خشنودی او از یکدیگر پیشی گیرند.

طبق فرموده امام صادق (ع) قلب ماه رمضان شب قدر است فلذا با توجه به اهمیت ویژه شب‌های قدر، برای استفاده حداکثری از این موقعیت خاص لازم است یکسری آمادگی‌هایی در خود ایجاد کنیم. مهمترین چیزی که باید برای شب قدر آماده کنیم قلب‌مان است. بنابراین در ادامه به بررسی فهرستی از شرایط قلبی مطلوب برای حضور در شب قدر می‌پردازیم. بدیهی است هرکدام از این شرایط را به هر مقداری نداشته باشیم به همان مقدار از فیض عظیم قدر محروم خواهیم ماند.

۱ دلمان را از کینه و دشمنی نسبت به مومنین خالی کنیم:

پیامبر گرامی اسلام چندین مرتبه درباره کسی فرموده بود که او اهل بهشت است. یکی از اصحاب می‌گوید من حساس شده بودم که چرا او اهل بهشت است لذا به او گفتم من چند روز است با پدرم قهر کرده‌ام و می‌خواهم به خانه تو بیایم اوهم پذیرفت. به خانه اون رفتم و سه شب آنجا ماندم اما در این مدت دیدم که او نه عبادت خاصی مثل نماز شب انجام می‌دهد و نه رفتار فوق العاده‌ای دارد، بعد از چند روز به او

گفتم رسول خدا (ص) چندبار فرموده است که تو اهل بهشت هستی! خودت فکر می‌کنی چرا؟ او گفت: شاید به این دلیل باشد که من کینه کسی را به دل نمی‌گیرم و نسبت به کسی بدخواهی نمی‌کنم (تنبيه الخواطر / ص ۱۲۶)

۲ با رضایت و دل شاد در خانه خدا برویم نه با شکایت!:

یکی دیگر از شرایط لازم برای اینکه انسان در شب قدر یک دل با صفا به محضر پروردگارش بیاورد این است که دل انسان توام با رضایت باشد نه توام با شکایت! یعنی از خدا ناراضی نباشیم، حتی اگر از زندگی خودمان هم ناراضی هستیم، حداقل از خدا راضی باشیم. بگوئیم: خدایا من از تو راضی هستم حتما در این مشکلات و گرفتاری‌هایی که به من داده‌ای یک مصلحت‌هایی را برای من در نظر گرفته‌ای... به تعبیری دل شاد در خانه‌ی خدا ببریم که این خیلی برای خداوند متعال اهمیت دارد.

۳ بلند همت باشیم و کم نخواهیم!:

تا اینجا دو شرط برای دل با صفا بیان شد:

۱) دل بی‌کینه (۲) دل راضی و شاکر.

غیر از این دو مورد، دل باصفا دلی است که بلند همت باشد و کم نخواهد. اگر کسی دون همت باشد و کم بخواهد این خودش علامت نورانی نبودن و باصفا نبودن دل است. در واقع همت بلند از علائم صفای باطن است. وقتی همت خود را بالا می‌گیری برای همه طلب مغفرت خواهی کرد، برای همه بیماران طلب شفا خواهی کرد و همچنین برای خودت هم مراتب بالاتری را تقاضا خواهی کرد.

۴ با دست خالی به محضر خداوند برویم:

یکی دیگر از شرایط لازم این است که برای خودت هیچ خوبی قائل نباشی مثل کسانی که در شب قدر حضور پیدا کنیم که در پرونده‌شان هیچ خوبی نداشته‌اند و فقط گناه و بدی دارند.

علیرضا احمدی

از تهران تا پکن



سعید مسعودی

بازخوانی یک شعار

#تا ۱۴۰۰ باروحانی

بدون شک فرآیند انتخاب شعار پروسه‌ای پیچیده و ظریف است و برای اینکه یک شعار بتواند مفهوم و منظور خود را در کوتاهترین لفظ و با اثرگذارترین شیوه منتقل کند باید در کوره افکار متخصصین کار بلد آب دیده شود. یک شعار می‌تواند فقط یک مفهوم خاص را منتقل کند و یا اینکه شالوده و خلاصه‌ای از آرمانها و ایدئولوژی‌های یک حزب یا گروه باشد و حتی در برخی موارد یک شعار آخرین تلالو امید برای ادامه حیات یک حزب و گروه می‌باشد. بسته به میزان برد رسانه‌ای یک شعار و ظرفیتی که حول آن ایجاد می‌شود خالق یا خالقین شعار می‌توانند بهره‌وری سیاسی و اجتماعی مدنظر خود را از شعار داشته باشند. در برد رسانه‌ای یک شعار عوامل متعددی نقش تعیین‌کننده دارند که فقط در مسائل فکری، حزبی و ایدئولوژیک خلاصه نمی‌شود و هر آنچه که باعث می‌شود شعار با صدای بلندتر و گیراتر منتشر شود را شامل می‌شود شعاری که در این متن قصد بررسی آن را داریم شاید بهترین نمونه برای نمایش هرچه بهتر تنوع عوامل گفته شده باشد.

با روحانی تا ۱۴۰۰

شعاری که بعد از ۴ سال بیشتر به یک کمدی تلخ شبیه است تا شعار یک آرمان‌خواهی

اما همین شعار در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ به بهترین شکل ممکن اثرگذاری خود را نشان داد و خالقین آن را به غایت نهایی‌شان رساند و همه‌ی این پیروزی رامدیون برد رسانه‌ای فوق‌العاده‌ای بود که توسط عوامل داخلی و خارجی منتفع از انتخاب دوباره دکتر روحانی ایجاد شده بود. اگر از بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و اپوزیسیون خارج‌نشین فاکتور بگیریم یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت این شعار سلب‌ریتی‌های اینستاگرام نشین بودند. سلب‌ریتی‌ها و تب و تاب‌های مجازی ناشی از آن پدیده‌ای بسیار عجیب و غیر قابل باور است که بیشتر تداعی‌کننده فتودالیسم است؛ فتودالیسم یا خان و رعیتی که این بار در قرن بیست و یکم به نحوی دیگر گریبان مردم را گرفته است. سلب‌ریتی یا خان مجازی یا به اصطلاح امروزیش شاخ‌های مجازی خود را به محق به اظهار نظر و اظهار فضل در هر زمینه و موضوعی می‌داند و رعیت خود بیخشد! یا فالورهایش را ملزم به پیروی از عقیده و نظر خودش می‌داند شاید تعریف فوق غیر قابل باور به نظر برسد اما همین تقلید کورکورانه و پیروی بدون تفکر از فتودالیسم مجازی رمز پیروزی شعار ذکر شده است؛ پیروزی که در ستاد انتخاباتی آن گروهان سلب‌ریتی‌ها پیشاپیش دیگر فاتحین رژه رفتند و مارش افتخار نواختند. اما همین سلب‌ریتی‌های فاتح بعد از گذشت ۴ سال و صفرا فزودن شعارشان هیچ وقت به خاطر انتخاب بدی که به مردم تحمیل کردند عذرخواهی نکردند دقیقاً همانند خانی که خود را منزله از اشتباه و خطا می‌داند هرچند که سلب‌ریتی‌ها تا ریال آخر حق الزحمه خود را دریافت کردند اما کسی که دست خالی ماند مردم زودباوری بودند که افسار تفکر خود را به دست خان‌های مجازی دادند و بعد از گذشت ۴ سال تنها یک مشت وعده توخالی نصیبشان شد. باید از این تجربه تلخ درس گرفت و به این مهم پی برد که این فتودالیسم مجازی را هیچ انقلابی غیر از تفکر و آگاهی مردم سرنگون نمی‌کند اگر این تقلید کور کورانه همچنان ادامه یابد همین سلب‌ریتی‌ها واسطه می‌شوند تا دکتر روحانی کلید خود را زیر گلدان برای جهانگیری یا نفر بعدی جا بگذارد.

کویری، همچنین تقویت زیرساخت‌های استراتژیک برای صادرات انرژی به کشورهای ثالث نیز از جمله دیگر مزایای این سند برای ایران می‌باشد. از همه این مسایل که گذر کنیم، طی سالهای اخیر اهمیت کشور چین در تحولات جهانی به شدت رو به افزایش می‌باشد و کشورهای دیگر نیز مدتی قبل‌تر از ما روابط راهبردی خود را با چین تعریف کرده‌اند.

این کشورها لزوماً با آمریکا در تقابل نیستند و حتی بعضی از آنها مانند عربستان روابط متحدانه‌ای با آمریکا دارند اما امروزه نقش چین به قدری در جهان پررنگ می‌باشد که ناگزیرند روابط خود را با چین توسعه دهند. در هر حال امضای این سند لزوماً به این معنا نیست که با کشورهای دیگر به طور کلی ارتباط خود را قطع کنیم؛ بلکه می‌توانیم با استفاده از همین رابطه با چین، در مذاکرات با سایر کشورها به نوعی اهرم قدرتی داشته باشیم که در صورت لزوم، از آن استفاده کرده و فقط محدود به یک نقشه و راه نباشیم. موضوع جالب دیگر اینکه کشورهای غربی از امضای این سند ابراز نگرانی می‌کنند و حتی منتقدان این سند ادعا می‌کنند که ایران قرار است به مستعمره چین تبدیل شود و با فراقتنی هر چه تمام‌تر اعلام کرده‌اند که ایران قصد واگذاری خاک خود را به چین دارد؛ اما چیزی که به ذهن می‌رسد حقیقت دیگری است؛ کشورهای غربی که در طی سالهای گذشته ظالمانه‌ترین تحریم‌ها را در عمل اجرا کرده‌اند و مردم عزیز کشورمان را در تنگناهای شدید اقتصادی قرار داده‌اند و حتی مانع کمک‌های بشر دوستانه نیز می‌شدند، حال چگونه است که حامی منافع این ملت شده و از این سند ابراز نگرانی می‌کنند. این سند برای این کشورهای غربی نفعی ندارد و صرفاً حضور ایران در مناسبات جهانی را افزایش می‌دهد، پس کشورهای ثالث امضای این سند بهره‌بردار نمی‌شوند و مطالب آخر اینکه این سند راهبردی صرفاً نقشه راهی است و باید در مورد جزئیات آن مذاکرات لازم انجام گرفته و توافقات نهایی بر سر منافع دو کشور صورت گیرد. به نظر می‌رسد کشورمان می‌تواند از ظرفیت‌های خود برای امضای چنین سند‌های بلندمدت با کشورهای دیگر به خصوص کشورهای همسایه استفاده کرده و در صحنه‌های جهانی حضور فعالی به عمل آورد.

در سفر وانگ‌ای وزیر امور خارجه چین به تهران، پس از چندین سال مذاکرات فشرده، سند همکاری‌های ۲۵ ساله بین دو کشور به امضای مقامات دو کشور رسید و رخدادی بسیار مهم در عرصه روابط سیاسی بین دو کشور رقم خورد، که همواره صحبت‌های زیادی پیرامون آن مطرح بود؛ هفتم فروردین ماه سال ۱۴۰۰ این سند به عنوان یک نقشه راه مهم و دارای اهمیت استراتژیک به امضای وزرای خارجه دو کشور رسید. تاریخچه مذاکرات بین دو کشور جهت تهیه این سند راهبردی؛ با سفر رسمی رییس‌جمهور کشور چین در تاریخ سوم بهمن ۱۳۹۴، دو کشور اعلام کردند که سطح روابط بین دو کشور را از حالت عادی و عرف به سطح راهبردی ارتقا داده‌اند و در همین زمینه سندی بلندمدت میان دو کشور در حال تنظیم می‌باشد و طرفین پیرامون آن مذاکره خواهند کرد. پیش‌نویس این سند پس از مدت‌ها در شهریور ماه سال ۱۳۹۸ در جریان سفر رسمی وزیر خارجه کشورمان به کشور چین، به مقامات این کشور تحویل داده شد. در این پیچ و خم پس از بررسی این پیش‌نویس توسط مقامات چین و مجدداً ارائه نظراتشان به ایران، بالاخره در ۳ تیرماه ۱۳۹۹ هیئت دولت مجوز رسمی شروع مذاکرات و امضای این سند راهبردی را به وزارت خارجه ارائه نمود. در نهایت در اسفند ۹۹ دو طرف نظرات تکمیلی خود را حول این سند به اطلاع یکدیگر رساندند. مزایای این سند برای ایران چیست؟

طبق اعلام مقامات دو کشور این نقشه راه شامل ابعاد جامعی از جمله سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. از قابل توجه‌ترین ابعاد این سند، بعد اقتصادی و به تبع آن مسئله‌ی توسعه اقتصادی روابط بین دو کشور است که بنا به نظر طرفین ظرفیتی که وجود دارد بسیار فراتر از همکاری‌های کنونی دو کشور می‌باشد. بر اساس برخی شنیده‌ها کشور چین واردکننده ثابت نفت ایران خواهد شد، اگر چه در شرایط فعلی و تحریم کشور نیز بخش عمده‌ای از صادرات نفت ما به کشور چین می‌باشد. در زمینه بهره‌برداري حداکثری از معادن کشورمان نیز چین تمام تکنولوژی خود در این زمینه را پیش‌خواهد آورد. از موارد دیگر نیز می‌توان به تاسیس بانک‌هایی مشترک برای جابجایی پول و دور زدن تحریم‌ها اشاره کرد. همچنین سرمایه‌گذاری برای تولید انرژی‌های پاک از جمله در مناطق

تولید پشتیبانی مانع زدایی

در ماه مهمانی خدا سفره دانشجویان روزه دار کم رونق تر از سال های گذشته!!

فیبر نوری بنا بود مشکل اینترنت را حل کند اما هنوز در بر روی همان پاشنه می چرخد!!

در برهوت خوابگاه گولان دایر کردن یک بوفه برای دانشجویان خالی از لطف نیست!!

مگر یک ماشین لباسشویی چقدر هزینه دارد که هزار جور بهانه برای عدم تهیه آن می آورید!!

در این ستون ما صدای شما را به گوش مسئولین می رسانیم. برای ارتباط با ما به کانال @basijmuk مراجعه کنید.

معنای واقعی کلمه یک شعار انقلابی است. ایشان در تشریح چرایی این موضوع تاکید کردند: اگر جهش تولید به درستی در کشور اتفاق بیافتد بر ارزش پول و سایر مسائل عمده اقتصادی تأثیر می گذارد؛ موجب اعتماد به نفس ملی و رضایتمندی عمومی مردم و تضمین کننده امنیت ملی می شود. حضرت آیت ... خامنه ای در پایان این پیام نوروزی جهش واقعی تولید در کشور را مستلزم حمایت های همه جانبه دولتی و حکومتی و برطرف کردن موانع دستیابی به آن دانسته و سال ۱۴۰۰ را این گونه نام گذاری کردند:

مروری بر بیانات رهبر انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۴۰۰
رهبر انقلاب اسلامی امسال نیز به مناسبت حلول سال نو طی یک پیام نوروزی با ملت ایران سخن گفتند. این بیانات ایشان در دو محور اصلی مطرح شد:

۱. در اولین محور، حضرت آیت ... خامنه ای سال ۹۹ را سال حوادث بی سابقه و بروز توانایی های ملت ایران دانستند و با اشاره به پدیده های کرونا آن را مصداق این حوادث دانستند. ایشان همچنین با اشاره به مقابله با آزمون بزرگ کرونا و مدیریت



امسال، سال ۱۴۰۰ یک زمینه ی خوبی برای شکوفایی جهش تولید وجود دارد. از این باید حداکثر استفاده را کرد. باید این حرکت با جدیت دنبال بشود و به طور عمده حمایت های قانونی، دولتی و حکومتی از همه سو نسبت به جهش تولید انجام بگیرد؛ چه این دولت تا وقتی که بر سر کار هستند، چه دولت آینده؛ از اول استقرار باید همت خود را بر این قرار دهد که موانع را برطرف کند و حمایت های لازم را انجام دهد و ان شاء ... جهش تولید به معنای واقعی کلمه در امسال انجام می گیرد. لذا من شعار امسال را اینچنین تنظیم کردم: **تولید، پشتیبانی ها، مانع زدایی ها** بایستی ما تولید را محور کار قرار دهیم و حمایت های لازم را انجام داده و مانع ها را از سر راه تولید برداریم. امیدواریم ان شاء ... به لطف الهی این شعار تحقق لازم را پیدا کند. دعا برای ملت ایران و مسئولان کشور پایان بخش سخنان نوروزی حضرت آیت ... خامنه ای بود.

این حادثه و مقابله با فشار حداکثری دشمن و شکست دادن دشمن، این دو موضوع را مصادیق بزرگ توانایی های ملت ایران معرفی کردند.

۲. دومین محور سخنان آیت ... خامنه ای اختصاص به موضوع شعار و حرکت جهش تولید داشت. ایشان در ارزیابی این مسئله در سال ۱۳۹۹ تحقق آن را قابل قبول و نه در حد انتظار دانستند و تصریح کردند: نتیجه ی آن در اقتصاد عمومی کشور و در معیشت مردم مشهود نشد. ایشان در ادامه ی بیانات خود یک مطالبه ی عمومی را ناظر به تحقق جهش تولید در سال ۱۴۰۰ مطرح کرده و تاکید کردند: این حرکت انقلابی در سال ۱۴۰۰ که به یک حساب ورود در قرن جدید است باید با جدیت ادامه یافته و جهش تولید به معنای واقعی محقق شود. رهبر انقلاب همچنین در بخشی از سخنان خود به تبیین این بحث پرداختند که چرا جهش تولید به



برای ارتباط بیشتر و اطلاعیه ها به کانال ما پیوندید

@basijmuk @muk_basij

هیئت تحریریه و همکاران این شماره:
ابراهیم اسدی، علیرضا امیری، علی نوری، سعید مسعودی، محمد رسول فتحي، سارا موزنی نیا، فاطمه کریمی، مبینا مدیر ویراستار: فاطمه زهره ونر با تشکر از: سمیرا شیباسی طراحی و صفحه آرایی: alinouri

نشریه ی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی بیان جوان صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کردستان مدیر مسئول: فاطمه زهره ونر سردبیر: سارا موزنی نیا

